

سخنان داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی در مورد حقوق زنان کارگر

در پی صدور قطعنامه گروهی از بانوان در زمینه
برخورداری از انواع آزادیها و توجه به حقوق اجتماعی و
سیاسی و اقتصادی و شرایط کار، بخشی از قطعنامه نیز
به زنان کارگر اختصاص یافته بود و دولت خواسته شد
تا به خواستههای زنان کشور منجمله زنان کارگر توجه
گردد.

مسلمان "در شرایط خاص انقلاب اصیل ایران که
به رهبری زعيم عالیقدر امام خميني با موفقیت به ثمر
رسیده و دوران سازندگی زیربنای ایرانی مستقل و آزاد
آغاز گردیده است یقیناً زنان کشور در چنین سازندگی
می توانند با یکسهمی رواج یافته بخود اختصاص دهند.
فروهر سپس گفت :

در تلاش برای سازندگی و از بین بردن آثار
نظام طاغوتی و رژیم فاسد گذشته قشریایا گروهیای طبقه و یا
جنسیت افراد بهیچ وجه مورد نظر نیست. زنان و مردان در

هرشغل و سمت باید با رسنگین وظائف خطیری را که از این پس به عهده خواهند داشت بی منت بدوش کشند و همسه در صف مبارزان جانبازان حق و عدالت و راه آزادی و آزادمندی قرار گیرند، مشارکت فعالانه زنان کشور حق مسلم و حق قانونی و حق شرعی آنان است .

وزیرکار سپس به موقعیت زنان کارگراشاره کرد و گفت زنان کارگردر شرایط کار و تحصیل و تخصص مساوی با مردان از حقوق و مزایا و شرایط کار مساوی بهره مند هستند و در چنین شرایطی تفاوتی بین زن و مرد کارگر وجود ندارد. در فصل چهارم قانون کار که مسلمان در طرح جدید تغییراتی در جهت حفظ منافع کارگران داده خواهد شد در موارد ۱۷-۱۸-۱۹ و ۲۰ شرایط کار زنان به صراحت اعلام گردیده است. از آن جمله ممنوعیت کار شب بین ساعت ۲۲ تا ۶ صبح (به استثنای زنان پرستار بیمارستانها) . منع کار زنان باردار از ۶ هفته قبل تا ۴ هفته بعد از زایمان .

مهلت دادن شیربه نوزادان در فاصله هر سه ساعت
 با احتساب زمان نیم ساعته جزو ساعات کار و عدم ارجاع
 کارهای سخت و زیان آور به زنان، همچنین در ماده ۲۳
 قانون کار در شرایط کار مساوی مزد مساوی با مردان
 برای زنان کارگرایان بینی شده است .

وزیر کار سپس گفت :

زنان کارگرها نند برادران کارگرشان می توانند
 آزادانه در انتخابات نماینده کارگر، سندیکا و اتحادیه -
 های کارگران، برخوردار از حق انتخاب کردن و انتخاب
 شدن مشارکت داشته باشند، کما اینکه تعدادی از خواهان
 کارگر هم اکنون عضو هیئت مدیره سندیکاها و اتحادیه های
 کارگری بوده و به عنوان نماینده کارگرنیز به انجام وظیفه
 اشتغال دارند .

از سوی دیگر در بسیاری از صنایع نظیر نساجی،
 داروسازی، ریسندگی و بافندگی تولید لوازم الکترونیکی
 تولید کفش و پوشاک و صنایع غذایی و آشامیدنی، ساخت
 رادیو و تلویزیون، گاه تعداد زنان کارگرایان از مردان

است. از سوی دیگر زنان بسیاری با کار در مزارع برنج و چای و پنبه، کار در کارگاه‌های قالی‌بافی، صنایع دستی و سنتی سهم ارزنده‌ای در تولید ملی داشته و بخش مهمی از اشتغال شهری و روستایی را به خویش اختصاص داده‌اند.

وزیرکار سپس اظهار داشت:

البته در بعضی از صنایع سنگین نظیر حفاری معادن، کار با ماشینهای پرس، تراشکاری و صنایع فلزی و رانندگی وسایل سنگین نقلیه و کارهای ساختمانی که نیاز به توان و قدرت بدنی کافی دارد زنان به طبیعت و خصلت و سختی و صعوبت کار نمی‌توانند هم‌توان با قدرت برادران کارگر به کار اشتغال یابند. امیدوارم در طرح جدید قانون کار به افزایش سهم زنان کارگر در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی و صنعتی و حرفه‌ای موفق شویم.

سخنرانی آقای داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی

در اجتماع کارگران کارخانه ایران ناسیونال

سه‌شنبه ۱۳۵۸/۱/۱۴

ظہرا مروزدا ریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی
از کارخانه اتومبیل سازی ایران ناسیونال بازدید عمل
آورد و در جمع کارگران این کارخانه مطالبی اظهار داشت .
در این اجتماع وزیر کار گفت : بنام خدای بزرگ
و بنام پابیندگی ایران ، بیاد شهیدانی که با نثار خون
گرم خود ملت ما را به آستانه پیروزی رسانده اند و بیش از
هر چیز به شمر رسیدن قطعی مبارزات ملت ایران را به رهبری
امام خمینی و استقرار جمهوری اسلامی ملت ایران شادباش
می گویم . همه ما زنان و مردان ایران ، با وحدت کلمه و
وحدت عمل راه درازی را طی کرده ایم و یکی از درخشانترین
انقلاب های تاریخ بشر را در کشورمان به شمر رساندیم .
این انقلاب نه تنها ایران را دگرگون ساخته ، بلکه
در منطقه و در سراسر جهان می رود که دگرگونیهای بزرگ
به وجود آورده . امروز میهن من و شما نه تنها سرزمین سلطه
استبداد و وابسته به بیگانه نیست ، بلکه یاور بزرگ همه
استعماریان در سراسر جهان است . اما این انقلاب

پیروزمند همنوز در نیمه راه پیروزی نهائی است ، دست کم
بیش از چهل روز نیست که انقلاب ما وارد مرحله سازندگی
خود شده است . به فرمان امام چرخهای از کار بازمانده
به چرخش درآمده و همه با هم کار را آغاز کرده ایم .

آنها که در این دوران سازندگی بهر جهت و با هر
نظریا همه نیرو به کار نپرداختند و وظیفه ملی خود را ، وظیفه
ایمانی خود را در این مرحله انجام نداده اند .

من پس از روزها که مواجها با بیکاری کارگران
بودم امروز که در میان شما قرار گرفتیم ، امروز که با زوان
شمارا در حال کار و چرخهای یک صنعت را در حال گمردش
دیدم ، احساس کردم مردم ما ، درآینده نیز معجزه ای
همچون گذشته خواهند کرد . راست است انقلاب که ما را از
بسیاری ناروائی ها ، بی فضیلتی ها و تبعیض ها نجات داد ،
اما چون هر جنگی آسیب هائی برای ما ببار آورد ، بسیاری از
کشتزارهای ما بی گشت مانده است ، بسیاری از کارخانه های
ما از کار بازمانده اند ، اقتصاد ما وضع بحرانی دارد . اما
به عقیده من در برابر راه داده ملت که می خواهد از دزدندگی
کنده همه این سختی ها آسان خواهد شد .

به گوشه و کنار جهان نگاه کنید، همه با بعد از انقلاب وظیفه بزرگ انقلاب کنندگان، کار بوده است. کار شبانه روزی کاری بی توقع و با همه نیرو، زیرا که باید میان قبل از انقلاب و بعد از انقلاب تفاوت اساسی به وجود آورد. ما اگر از همان ارزش‌ها و همان معیارهایی که از قبل از انقلاب پیروی می‌کردیم بعد از انقلاب هم پیروی کنیم. به تغییر آنها حکومتی و انتقال قدرت پرداخته‌ایم، اما انقلاب به معنای راستین و آنچه‌ان که انقلاب اسلامی ملت ایران نیاز دارد تغییر تمام معیارهاست. از یکسویه همه تبعیض‌ها، همه فسادها، همه زورگوئیها با دیدن داد، روابط اقتصادی و اجتماعی را بر بنیادی نو قرارداد، اگر یک انقلاب دگرگون بنیادی در روابط اجتماعی و اقتصادی ایجاد نکند یک انقلاب نیست و بطور مسلم انقلاب ملت ایران این کار را خواهد کرد.

این یک سوی کار است. از سوی دیگر همه ما از بالاترین مقام تا ساده‌ترین فرد باید که تولدی دوباره داشته باشیم. اگر ما با معیارهای گذشته زندگی کنیم هرگز فرزندان ارزنده‌ای برای دوران سازندگی انقلاب نخواهیم

بود. همان‌طور که گفتم کاروکا ربتدرمرحله‌های زندگی انقلاب اساسی‌ترین نقش را بازی می‌کند، شما دیروز اگر کار می‌کردید ممکن بود این تصور وجود داشته باشد که چرا کار می‌کنیم، زیرا به راستی باید این احساس را می‌داشتید که شمره تلاش من، اضافه‌ارزش کار من به کجا می‌رود؟ به جیب چه کسانی سر ازیر می‌شود؟ اما امروز در پرتو ارزش‌های جدید انقلاب این اطمینان را داشته‌اید که به بهره‌کشی فردا ز فردی برای همیشه پایان داده شده است، اگر این کار شما! ارزش اضافی داشته باشد این ترتیب داده خواهد شد که یک سربه‌سود ملت به کار گرفته شود، اما با چنین روحیه‌ای من هرگز نمی‌گویم که دشواری‌ها نباید طرح شود. بی‌شک کارگران میهن‌دشوارهای بسیار دارند، بر روابط کار یک قانون ناسالم حکومت می‌کند، کارگران از نظر رفاهی در وضع بدی به‌سرمی‌برند، مسئله مسکن، مسئله دست‌مزد و دهها مسئله نظیر آن در برابر ما قرار دارد. و همه‌باشور انقلابی باید که به بودوضع را طلب کنیم، اما فراموش نکنید در این دوره‌های زندگی نیاز به نظم انقلابی هم وجود دارد. خوشبختانه! اگر در چند روز نخست شما نتوانستید خیلی زود به کار

برگردید و دستهای توانای خود را به گرد چرخهای صنعت به چرخانید، اکنون کارخانه شما به کار افتاده است و من قطع دارم با نیروی سازنده شما حداکثر تولید را در کوتاه ترین مدت خواهیم داشت .

وابستگان به نظام گذشته نخواهند توانست بگویند که ما رفتیم همه چیز درهم شکست ، تولید افت کرد . تصمیم برهم شکستن این ادعا شما هستید و نیروی کار شما اما برای آنکه ارزش کارتان را بدانید از میان شما و همصدا با شما بگذارید به آنهایی که به کارخانه های می روند و شعار فریبنده طرح می کنند در این مرحله سازندگی عنوان می کنند کارگر: اگر تو اراده کنی همه چرخها از گـردش باز خواهد ایستاد ، در میان شما پاسخ بدهم . دیر آمدی آقا ! آن روز که کارگران ایرانی اراده کردند چرخهای صنعت را از کار باز دارند روزی بود که این چرخ ها به سود دشمن در حرکت بود ، نه اینکه امروز ^{بها} بخاطر سرعت ملت ایران بخاطر بلا بردن تولید ، بخاطر افزایش سطح اشتغال و بکار گمارده شدن هر چه بیشتر کارگران می چرخد . این اخلالها

مستقیماً" شریان حیاتی ملت ما را هدف قرار داده است ،
 من بسیار خرسندم که در اینجا با این گونه سم پاشی ها
 دست رد زده شده و قطع می دانم اکثریت نزدیک به
 اتفاق کارگران ایران وظیفه تاریخی خود را خوب
 می شناسند همان کارگرانی که در صنایع مختلف و
 وبه خصوص در صنایع نفت گلوی دشمن را آنچنان فشردند
 که از یاد آمد ، امروز هم وظیفه خود را خوب می شناسند ،
 بهمین دلیل است که رگ در جستجوی کار است ، علیرغم
 همه اخلال گیری ها .

ما در وزارت کار و وظیفه خود می دانیم خدمتگزار
 کارگران باشیم و از همه کارگران یاری می خواهیم تا در
 انجام این وظیفه بیا کمک کنند . هر کارگاری که کار
 می کند یک سنگ اساسی برای بنیادگذاری ایران آینده
 به زمین می گذارد . گفتم در عین حال حقوق بسیاری
 کارگران دارند که انقلاب اسلامی ملت ایران تاب بر آوردن
 این حقوق و دادن آنرا ندارد . ما از راه درست بایبدرفت ،
 هیچ سدی در راه به حرکت در آمدن کارگران برای احقاق
 حقوق آنان نیست . دیروز هر کوشش برای سندیکا سازی

براین تجمع سالم ، برای هم اندیشی و گفتگوبه‌خاطر شرایط بهتر کارخواستن با وحشیانه‌ترین رفتارها و یا توطئه‌های گوناگون روبرومی شد، اما امروز با صراحت من اعلام می‌کنم که وزارت کار پشیمان و تشویق‌کننده قطعی جنبش کارگران برای سندیکا سازی و تبدیل شدن به قدرت حیاتی ملت هستند . درود بر بزرگ مردی که انقلاب ملت ما را رهبری کرد ، درود . همان‌طور که گفتم نهضت سندیکا سازی راه حل نهایی حفظ حقوق کارگران برای همیشه است ، البته اکنون شما کوشش‌هایی برای انتخاب نمایندگان در شوراها داشته‌اید که بی‌شک خواهد توانست به ایجاد تفاهم بیشتر در محیط کار و ایجاد تفاهم بیشتر در تنظیم روابط کارگاه‌های اساسی بردارد ، اما باز هم تکرار می‌کنم تضمین اساسی برای حفظ حقوق کارگران در بستر زمان برای اینکه نیروی انقلابی ملت ما همچنان بیدار و توانا بماند و به خصوص در میان کارگران دیگر تصور اینکه می‌شود حقوق کارگر را

نادیده گرفت به وجود نیاید راه حل اساسی ایجاد
 سندیکا سته‌ن سندیکا‌های دست‌نشانده‌ای که صف‌های
 طولانی در روزهای جشن‌هایی آنچنانی به وجود می‌آورند
 بلکه سندیکا‌هایی که اداره‌کنندگان آن نمایندگان
 واقعی کارگران باشند و بتوانند این نیرو را بسیج‌کنند
 تا در ضمن دفاع از حق قانونی پاسدار دست‌آورده‌های
 انقلاب ایران باشند. من از افاق دورتر به کارهای شما
 برمی‌گردم. در اینجا از اشکال‌های عظیم روابط کار
 و انجام کار بیشتر هم از سوی بعضی از کارگران عزیز
 و نیز هم از سوی اداره‌کنندگان همین تذکرها می‌داده
 شد. من می‌گویم زمینه هر چه بیشتر را برای بهبود
 وضع فراهم کنم، اما یکبار دیگر خواهش می‌کنم از هر
 نظری که به سلامت کارگاه افزایش تولید و به انجام وظیفه
 انقلابی که بعهده‌دارید لطمه‌بزند دست‌کم در این مرحله
 صرف‌نظر کنید، اجازه بدهید کارخانه شما یک نمونه باشد
 برای ضایعی که بکار افتاده باشد من هرگز نمی‌گویم اگر

آلودگی و حق کشی وجود دارد اگر تبعیض وجود دارد تحمل کنید، ولی با صبر لازم انقلابی، اجازه دهید که این دشواریها از سوی مدیریت سالم شده از میان برداشته شود و خدای نکرده راه‌حلهائی که ممکن است به سلامت کار به گسترش کار و افزایش تولید که وظیفه اصلی شماست لطمه بزند پرهیز کنید، خوشبختانه اینجا زمینه کار را در همین مدت کوتاه آنچنان فراهم کرده بودند که من هیچ شکایت اساسی را نشنیدم، با اینهمه اگر فکرمی کنید مطالبی هست که با پدو وزارت کار به عنوان تنظیم کننده روابط کار را بعهده داد و فضای لازم روانی را برای ادامه کار به وجود بیاورد گفته نشده است من در میان شما هستم که همه این نظریات را بشنوم با مسئولین در میان بگذارم و برای بهبود شرایط کار با فشاری کنم، من انتظار دارم این تصور که ما، در یک سوی میز قرار داریم و شما در سوی دیگر برای همیشه از میان بروید بیا ئید همه با هم نشان دهیم که ایران آینده در پناه همدلی و همکاری و وحدت عمل

من و شما و همه مردم ساخته خواهد شد . من توقع
کوتاه مدت این است که با کار هر چه بیشتر در آینده
بسیار نزدیک سطح تولید را از مرز گذشته رد کنید .
درود .

سخنان آقای داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی

در اجتماع کارگران شرق تهران .

باشگاه کارگران شهرداری پارک جوادیه ساعت ۱۷ روز

سه‌شنبه ۵۸/۲/۱۸

بنام خدای بزرگ که به مردم ایران این توان

را داد که از میان تیره گیاه دگرگون سازتاریخ شوند .

به یاد همه شهیدانی که با نشان خون گرم خود ^{شهران} تیره ما

را به ما دادان پیروزی رساندند .

از شما خواهان و برادران عزیزم به یاد این

شهیدان و به یاد شهید بزرگی که درست ۷ روز پیش دست

حنایتکاری او را از میان ما بردمی خواهم که برخیزید

و به یاد استاد مطهری یک دقیقه سکوت و سپس فاتحه بخوانید .

خواهران و برادران عزیزم ، گفتم سپاس به

انقلابی که دگرگون سازتاریخ شد ، سپاس به انقلاب اسلامی

ملت ایران ^و همه رابطه‌ها را دگرگون کرد .

دیروز رابطه مردم در برابر دولت^۴ رابطه کارگر در برابر کارفرما و هرگونه واسطه دیگر از معیارهائی سرچشمه می گرفت که برای مردم ما ، ما بیه سرافکنندگی بود اما امروز به برکت این انقلاب بزرگ جدول ارزشهای زندگی ملت ما دگرگون شده است ، امروز دولت از آن شما است و خدمتگزار شما ، امروز ترس از آنکه یک لحظه خدمت دوران مردم متوقف شود ، هیچ کار بدستی را اجازه خواب آرام نمی دهد .

چند روز پیش گفتم ، بعنوان یک خدمتگزار دولت تا هنگامی که ما ، یک کارگر بیکار داریم ، یک کارگر نگران آینده خود داریم ، یک کارگر دچار کم کاری و کم درآمدی داریم و سرانجام کارگرانی داریم که مسرود استثنای قرار می گیرند دنیا بدگمان کنیم که جای از پائین نشستن است . در کشور ما از برکت انقلاب خواست ها دگرگون شده است و دیگر هیچکس نخواهد توانست ایران را به زندان پراز سکوت گذشته برگرداند ، هیچ فرد

مسئولیت داری نباید از مسئولیت خود گریزان شود، از بیان خواست‌های مردم بهر اسد، از رودررویی با آنها و در میان آنها قرار گرفتن و درد آنان را شنیدن و با هر نیرو به درمان کوشیدن، پرهیز کنند. چنین کسانی نمی‌توانند خدمتگزاران این انقلاب باشند و بی شک همه کسانی که فرصت دوباره‌سازی ایران را از دست بدهند به کوشش این مردم به دور انداخته خواهند شد و فرزندان توانای انقلاب جای آنها را خواهند گرفت. من بسیار خوشوقتم که می‌توانم در میان کارگران قرار بگیرم. با خواهسته‌های آنها آشنا شوم. از این خواهسته‌ها الهام بگیرم و این الهام را بر نامه‌کار وزارت کار قرار بدهم. من از روز نخست گفتم وزارت کار باید خدمتگزار کارگران باشد و در تنظیم روابط کار آنچنان بکوشد که به نایب‌مانی‌ها و دردهای گذشته در کوتاه‌ترین مدت پایان دهد، خواهسته‌هایی که امروز بیان شد و بخش عمده آن در دیداری که با نمایندگان شما داشتم و وعده دیدار امروز را نهادم بیان شده بود و به بخشی از آنها همان هنگام پاسخ دادم و چون اکنون دوباره طرح شده است

پیرامون آن دوباره سخن می گویم .

درباره پرداخت دستمزدها و مطالبات عقب افتاده
 کارگران چند مورد سودویژه ، حق خواربار و مسکن از همان
 روز نخست وزارت کار کمیته ویژه ای برای بازرسی کارپدید
 آورد تا در برابر هر مراجعهای از کارفرمایان بخواهد که
 کوشش کنند که تمام مطالبات عقب افتاده کارگران پرداخت
 شود و در این راه تا آنجا جلورفت که اگر احساس نمود کارخانه ای
 احتیاج به کمک دارد فشا را آورد که دولت این کمک را به صورت
 وام در اختیار کارخانه ها بگذارد تا مطالبات معوقه کارگران
 پرداخت شود ، اگر هنوز مطالباتی باقی مانده است که پرداخت
 نشده از نمایندگان کارگران خواهش می کنم به کمیته بازرسان
 کار مراجعه کنند تا در اخذ این مطالبات و پرداخت آن تسریع
 شود .

پیدا بود ما که می خواهیم کارگران بر سر کار بمانند ،

باید آسیب هایی را که در دوران اعتصاب هایی که به پیروزی

انقلاب انجامید و به صنعت ما وارد شده بود جبران کنیم .

کارخانه های یکدکرمی کرد تا کارگران به کار اشتغال داشته باشند

به همین دلیل از آغاز کوشش کردیم از تعطیل هر کارخانه و کارگاهی جلوگیری کنیم حتی کارخانه‌هایی که مالکیت یا مدیریت آن به وابستگان نظام کشیف گذشته بستگی داشت و کارفرمایان و مالکان آن راه‌گریز پیش گرفته بودند و کارگاه‌ها را تعطیل کرده بودند کوشش کردیم با تعیین مدیر، یا مدیرانی از طرف وزارتخانه‌های مربوط و با همکاری وزارت کار چرخ این کارخانه‌ها هم به گردش بیفتد و از تعطیل کار جلوگیری شود تا کارگری بیکار نماند. برای من جای تاسف است که در این کوشش، کسانی پیدا شده‌اند که به عمد در میان کارگران تحریکاتی به وجود آوردند که کارخانه‌ها از کار بیفتد. آنهم به بهانه‌های گوناگون.

تغییر در وضع اداره کارخانه‌ها، وظیفه انقلاب است و من به صراحت اعلام می‌کنم حتی تغییر در وضع مالکیت کارخانه‌ها و زمین بردن بهره‌کشی فردا ز فرد، وظیفه انقلاب است. اما اینها زمان می‌خواهد و در این زمان کارخانه‌ها باید کار می‌کرد، باید واحدهای راه‌سازی و

واحدهای ساختمانی ما کار خود را از سر گرفت تا کارگران اشتغال می یافتند و با درآمد خود زندگی می کردند. پس تمام کسانی که به هر بهانه کوشیدند کارگاهها به راه نیفتد به انقلاب علاقه نداشتند. من، صاحبان هیچ اندیشه‌ای را در مظان تهمت قرار نمی دهم. من می‌خواهم این چنین باشد که همه ایرانیان با هر اندیشه‌ای که دارند در ساختن آینده این کشور ^{مؤلف} شرکت جویند، اما کسانی که کارگران را از کار باز دارند دارای هر اندیشه‌ای باشند، ضد انقلاب هستند. بدیهی است اگر کارخانه‌ای به‌عللی که ما توانائی جلوگیری از آنرا نداریم، تعطیل شود یا کاهش کارگردان ضروری بنظر برسد برای ادامه کار سایر کارگران همچنانکه جزو خواستهای شماست، ماده ۳۳ قانون کار و تمام امتیازات در حد اکثر به کارگران داده خواهد شد و آرائی که این روزها از سوراخهای کارگاه‌ها و هیئت‌های حل اختلاف صادر می شود گویای این حقیقت است که

برخلاف گذشته حداکثر امتیاز برای کارگران در نظر گرفته شد. در مورد دستمزدها این یک دروغ، یک بازی دستگاه‌ها که گذشته بوده است که میزان غیر واقعی برای دستمزد تعیین کند. حداقل دستمزد بر طبق مصوبات گذشته فقط بیست و یک تومان و هفت قران بوده! و این واقعا "ننگ آورها" توجه به سطح زندگی است. اما در اطلاعیه‌ای که وزارت کار چند روز پیش صادر کرد به روشنی بیان شد که تعیین دستمزد واقعی، دستمزدی که بتواند حداقل یک زندگی آسوده را برای کارگروخانواده‌ها فراهم کند مستلزم سنجش بسیاری از مسائل اقتصادی مملکت است. ما نباید فراموش کنیم سطح دستمزد در سطح هزینه زندگی اثر می‌گذارد. اثر مقابل آنها باید سنجیده شود. همانطور که می‌دانید این از وظایف شورای عالی کار است که حداقل دستمزد را تعیین کند. شورای عالی کار، در گذشته نمایندگان کارگرو نمایندگان کارفرما و نمایندگان دولت بوده است و ترکیب

کنونی آن هم همان خواهد بود .

اما با آن نمایندگان که در قبل وجود داشته
هرگز من به عنوان وزیر شما نمی توانستم طرف
گفتگو شوم، تا اینکه با آنها درباره دستمزد ،
هم اندیشی کنم ، بررسی کنم و نتیجه بگیرم . حالا
این شورای عالی کار منحل شد و شورای عالی کار
از سوی وزارت کار دعوت شده است از کسانی که به
راستی نمایندگان کارگران باشند به راستی از طرف
کارفرمایانی باشند که به این انقلاب ، به این ملت
علاقه مندهستند و می خواهند اینجا بما نند با ما
زندگی کنند و در سرنوشت آینده این ملت سهیم
شوند و نمایندگان از دولت ، که به راستی با درد
مردم آشنا باشد این شورا حداقل دستمزد را با توجه
به خصوصیات که گفتم یعنی به دستمزد واقعی نزدیک
شدن ، نه دستمزد روی کاغذ ، یعنی به هزینه زندگی
که می بینم در چه وضع تورمی هست ، نزدیک شدن ،
تعیین خواهد کرد و در هر حال همانکه اعلام شده است

مبنای محاسبه آن از اول فروردین ماه ۱۳۵۸ خواهد بود، یعنی شما کارگران ما به التفاوت دستمزدی را که اکنون میگیرید و بعد تعیین خواهد شد به صورت طلب از آغا ز فروردین ماه دریافت خواهید کرد. تساوی حقوق زن و مرد در برابر کارمندی و ایجاد امکانات برای زنان باردار مسائلی است که در قبال هم با من طرح شد و در تدوین قانون کاری که با دیدبارزشها و معیارهایی که انقلاب ایجاد کرده است سازگاری داشته باشد و بهرحال هر یک از مقررات مربوط به کارگزاران که به مرحله رسمی بودن و اجراء در آید، با نمایندگان کارگران در میان گذاشته خواهد شد و آنها نظرخواهی بعمل خواهد آمد. این مسائل در آن قانون گنجانده خواهد شد.

سندیکاها و شوراهای به وجود آمده با زاهدنهائی است که از روز نخست من برای وزارت کار قراردادام. تشویق سندیکاسازی و ایجاد تسهیل در راه به وجود آمدن سندیکاساختن به وسیله دولت، آنچه که در گذشته انجام می گرفت

گذشته زهرترسی که از منافع سندیکا و زهرگونه
 گرد هم آئی کارگران و زهرکس که نماینده واقعی
 کارگران باشد، بود. انواع حیلها برای اینکه
 ماسندیکاهای سالم واقعی نداشته باشیم و این
 سندیکاها در شوراها، با هم بستگی پیدا نکنند و اینها
 همه نواقصی بود که در آئین نامه انتخابات سندیکاها
 وجود داشت تصویب می کرد، بهمین دلیل یکی از
 وظایفی که در برابر شورای عالی کار، شورای جدید،
 قرار داده شده است تصحیح آئین نامه سندیکاهاست.
 بر طبق این آئین نامه که من امیدوارم در کوتاهترین
 مدت در اختیار کارگران گذارده شود و نمایندگان
 کارگران تاکنون اظهار نظرهای زیادی برای آن
 کرده اند و دیگر برادران و خواهران کارگرا هم
 دعوت می کنم که هر نظری پیرامون انتخابات
 کارگری دارند هر چه زودتر به اداره کل سازمانهای
 کارگری وزارت کار بدهند. با چنین آئین نامه ای

انتخابات همه‌سندیکاها را از نو انجام خواهیم داد تا جای هیچ‌گفتگو نماند و سندیکا‌های واقعی به وجود بیایند و آنها بتوانند به صورت مدافع همبستگی و منافع کارگران ناظر بر روابط کار، ناظر بر مدیریت، وظائف خود را انجام بدهند. درباره حضور نماینده کارگران منطقه در شورای عالی کار، در شورای عالی کار فقط سه نماینده از کارگران، در سراسر ایران شرکت می‌کنند. برای اظهار نظر در این شوراها مانعی ندارد که از منطقه شرق تهران هم نمایندگان بیایند و اظهار نظر کنند ولی برای عضویت در آن شورا اجازه بدهید که دست وزارت کار برای انتخاب نماینده از میان کارگران سراسر ایران باز باشد. بی‌شک در همه کارگران یکی است و آنکه نماینده واقعی کارگران باشد نماینده واقعی همه کارگران است از هر کجای ایران باشد نماینده کارگران سراسر این سرزمین بلاکشیده است.

جلوگیری از واردات کالاهای مشابه :

کالاهای مشابهی که در داخل کشور تولید می‌شود اگرنگاهی کوتاه به مقررات صادرات و وارداتی که امسال تعیین شده، بشود خوا هیددید که در حد اکثر امکان سعی شده است که هیچ کالای مشابهی که در ایران به اندازه کافی تولید می‌شود از خارج وارد نمی‌شود. از صنعت نساجی که مهمترین این مسئله را تشکیل می‌داد صنایع اتومبیل سازی و هرکارخانه‌ای که منسوجاتی می‌داد که مشابه آن وارد می‌شد.

— اینجا خواسته شد که نظارت بر مرغوبیت بشود

بی شک صنایع ایران باید به وضعی از لحاظ مرغوبیت

درآیند که بتوانند در سطح جهانی رقابت کنند، اما

فرا موش نکنید کشور ما یک مرحله سازندگی را می‌گذراند.

در این مرحله اگر مجبور بشویم لباسی با مرغوبیتی بدتر

از مرغوبیت پارچه خارجی بپوشیم، اگر مجبور بشویم غذا

۰۰۰ صنایع غذایی ما نتوانند به اندازه مرغوبیت

خارجی تامین شوند اگر به طور کلی هر ساخته دست کارگر

ایرانی مرغوبیت خارجی را هم نداشته باشد ما، وظیفه داریم این عدم مرغوبیت را تحمل کنیم و آنچه را به دست ایرانی ساخته شده است مصرف کنیم تا در پناه این مصرف به حداکثر مرغوبیت برسیم .

پیداست نهضت ملت ایران و انقلاب اسلامی ملت ما یک انقلاب ضد امپریالیستی بود، این انقلاب ضد امپریالیستی هرگز وجود سرمایه داران خارجی را برای مدتی طولانی تحمل نخواهد کرد. بدیهی است قطع این ایادی و قطع این نفوذ باید به شکلی انجام شود که به صنعت ما لطمه نزنند. در صدر بنا مه دولت به طور قطع کوتاه کردن دست سرمایه داران خارجی از اقتصاد ایران است، به طوریکه انقلاب به هر سلطه بیگانه در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پایان خواهد داد.

• مرکز جهت گردهم آئی کارگران منطقه و تهیه لوازم آن:
آنچه که در دیداری که داشتم، از همان روز گفتگوهای با کسانیکه ما مور تصفیه حزب گذاشته

هستند ، کردم تا محلی در اینجا داده شود ، پیدا شود ،
 برای خانه کارگران این خانه را با ااثاثیه ای که از زمان
 منحل کارگران ، آن زمان مورد نفرت کارگران بدست
 آمده است و گرفته شده است مجهز خواهیم کرد . برنامهای
 لازم را زیر نظر خود کارگران در این خانه های کارگر
 اجرا خواهیم کرد ، خواسته بودید نمایندگان از وزارت
 کار در آن خانه کارگراستقرار باشند ، این کار هم خواهد
 شد ولی باید یادآور شوم این گونه کمکها و آسان سازی ها
 در عین آنکه وظیفه دولت است و من می گویم که با همه
 نیرو انجام شود فرا موش نکنید ، سندیکا های آزاد و مستقل
 اتحادیه های درست کارگری آن اتحادیه هائی هستند که
 روی پای خود بایستند و برای محل اجتماع برای وسائل
 و برای تمام هزینه ها به خود تکیه داشته باشند ، به
 نمایندگان کارگران بارها گفته ام اگر دولت به صورت
 کمک کننده وارد سندیکا های شما و کارهای شما شد ،
 فردا به صورت دخالت کننده ما نند گذشته در خواهد آمد

کوشش کنید که روی پای خود با یستید تا هیچ دولتی تصور
اینکه بتواند در سر نوشت شما دخالت کند در سر نپروراند
امروز ممکن است کسانی که در دولت جای گرفته اند از همه
نیرو در خدمت شما باشند، ولی برای فردا خود را آماده
کنید، آنچنان روحیه انقلابی و روحیه تکیه به نیروی
خود را حفظ کنید که هیچ دولتمردی قدرت انحراف از
هدفهای انقلاب را پیدا نکند و همواره زیر انتقاد شما
وظایف خود را انجام دهد. برای انجام چنین نقشی باید
روی پای خود با یستید و نیا ز به کمک هیچ کس نداشته باشید
و بالاخره تشکیل شعبه‌ای از اداره کل کار و امور اجتماعی
در شرقی ترین نقطه شهر برای رسیدگی فوری به مراجعات
کارگران این منطقه از همان روزگه این پیشنهادها به من شده
است دستور دادم زمین آن فراهم شود و او میدوارم خیلی
زود این اداره گشایش یابد. بدیهی است دشواریهای
به لحاظ آنکه در برنا مه ما حداکثر صرفه جوئی هست قرار
دارد ولی می کوشم به علت نیازی که وجود دارد برای
دشواریها غلبه کنیم، بیش از این وقت شما را نمی گیرم

خواهران و برادران عزیزم ، سرزمین ما ، این
 ویرانه‌ای که نظام سلطنتی کثیف گذشته باقی گذاشته
 است به برکت انقلاب اسلامی ملت ایران وارد مرحله
 سازندگی شده ، در این مرحله وظیفه همه ما به ویژه کارگران
 کارشبانه‌روزی کاری گیرانه و بدون خستگی است ،
 بیائید همه با هم به سوی آینده ایران با کار تمام وقت
 پیش برویم .

سخنان آقای داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی
در اجتماع کارگران اصفهان

بنام خدا

و بنام پابندگی ایران

خواهران ، برادران ، همشهریان مبارز ، کارگران
بیدار دل ، انقلاب بر شما مبارک باد و دستاوردهای مقدس
انقلاب اسلامی ملت ایران ، بر شما ارزانی باد .
آرزو مندم که در پناه قدرت خلاقه خود و در سایه
رهبری بزرگ مردی چون امام خمینی ، سالیان سال
در آسایش و آزادی ، طعم واقعی زندگی را بچشید و دردهای
کهنه عصر استعمار و استثمای را از خاطر خویش بشوئید ،
و فرزندان شما ، فرصت آن را داشته باشند که پیروز مندان
فریاد بر آورند این پدران و مادران مبارز ما بودند
که با انقلاب مقدس خود ، فرش آرامش و رفاه و سعادت را زیر
پای ما گسترده اند . . .

اما شما خوب می دانید که انقلاب ، خود به خود ،
انسان را به رفاه نمی رساند ، انسان را خوشبخت نمی کند ،

به انسان ، آسایش و آرامش نمی بخشد . کار و کار
 شرافتمندانها تنها چیزی است که می تواند انقلاب
 را نجات بدهد . پشتوانه ی هرا انقلاب ، بازوی کار
 ملتی است که انقلاب کرده است . و انقلاب بدون
 پشتوانه مثل سرود زیبایی است که خوانده می شود و
 فقط در لحظه خواندن سرود می تواند اندما را گرم نگه
 دارد . پس از آن ، صدا ، از میان رفتنی است . بدون
 کسی که معنای سرود را بفهمد و با کار و ساختن و تولید
 کردن ، آن را دنبال کند ، بسیار خطرناک است ،
 بی نتیجه و فریب دهنده است .

شما خوب می دانید که نیروی کار ، پس انداز
 کردنی نیست ، بلکه محصول کار ، پس انداز کردنی
 است . نیروی کار ، نیروئی نیست که بتوان آنرا
 پنهان کرد و برای روزمیا دانگه داشت . انسان ، تحلیل
 می رود و فرسوده می شود . و نیرو نیز همراه تحلیل
 رفتن انسان ، کاسته و نابود می شود . این امری است

طبیعی و جبری - و- تقدیر انسان است .

ما چه کار کنیم و چه نکنیم ، فرسوده می شویم و از میان می رویم ، اما بهیاری تولید سالم و منطقی ، می -
توانیم زندگی و آینده خود را نوساز کنیم و کمال
بخشیم .

ما کم کاری امروز را فردا و فردا ها نمی توانیم
جبران کنیم ، هرگز نمی توانیم جبران کنیم . در
روزهای خاصی از تاریخ ، کار و تولید و ساختن ، ارزشی
برابر سر نوشت یک ملت پیدا می کند ، ارزشی برابر تمام
زندگی و تمام آینده ای که متعلق به فرزندان ما است .

شاید کسانی در میان ما باشند که گمان کنند انقلاب
می تواند اسکناس بدون پشتوانه به بازار بفرستد .
می تواند بدون بهره وری از تولید و بدون نظم و انضباط
در تولید ، خانه بسازد ، باغ بسازد ، بهداشت و بیمه
بسازد ، مدرسه بسازد . بچه های ما را با سواد کند ، اما
آنها ای که از آگاهی انقلابی برخوردارند می دانند

که پشتوانه همه چیز ما کارما و نظم ماست . می دانند که ما اینک از پی انقلاب ، آزادی کا رکردن برای ملت خود و بیشتر از همیشه کا رکردن به خاطر آئینده ی خود را به دست آورده ایم . ما فرصت آن را به دست آورده ایم که با کار خود ، بار نوکری ا جانب را از دوش برداریم ، با کار خود ، متکی بودن به خود را بیا موزیم و سطح تولید ملی را به یاری کارگران و طن خواه و انقلابی ، آنقدر بالا ببریم که توانائی ساختن و نوساختن همه چیز را به ما بدهد .

پس به این لحظه های بسیار حساس و تاریخ ساز حیات ملت خویش بیندیشیم ، چیزی را سرسری و به بازی نگیریم ، فرصت درهم کوفته شدن انقلاب را به ضدا نقلاب ندهیم ، و شعرا معجزه آسای خود یعنی وحدت در کلام ، و وحدت در حرکت و وحدت در قدم را از یاد نبریم .

شما می دانید که در سراسر جهان ، از پس هر انقلاب نیروی کا رملی چند برابر شده است . کارگران و کاردستان ، مشقت ها تحمل کرده اند . شبها به خانه نرفته اند روزها استراحت نکرده اند . جمعه نداشته اند و تعطیل

نداشته‌اند، و تعطیل نداشته‌اند. مرخصی نخواستند و مرخصی نرفته‌اند، چرا که برای این نکته آگاه بوده‌اند که هرچه سریع‌تر به بازسازی ویرانی‌ها بپردازند، سریع‌تر می‌توانند از دستاورد و محصول انقلاب برخوردار شوند.

بلافاصله بعد از انقلاب، زیرساخت‌های بنی‌نشین و گپ‌زدن، تنبیه‌خردانه انتقادهای سپردن و بهانه‌جوئی کردن به نیروی تحریک‌کننده و ضدانقلاب میدان دادن، هدیه‌ی هیچ انقلابی نیست، دوام استعمار و استثمار راست، پیشکشی ریاکارانه‌ی ضدانقلاب است و یادآوری روزهای نکبت‌باری است که در آینده خواهیم داشت...

من از شما می‌پرسم آیا انقلاب، یک حساب جاری اعتباری است که شما بتوانید با اعتباری بی‌نهایت از آن استفاده کنید؟

آیا انقلاب، یک حساب پس‌انداز است که در آن مبالغ هنگفتی پول نهاده شده باشد تا شما بتوانید از آن برداشت کنید و در پارک‌ها قدم بزنید؟

شما همه تا دیروز، کار می کردید به خاطر آنکه جیب راهزنان و استثمارکنندگان را پر کنید. استعمار، به شما فرصت کار کردن می داد، نه به خاطر زندگی شما و سعادت شما، بلکه صرفاً "به خاطر اینکه به دزدیدن نیروی کار شما احتیاج داشت. به شما فرصت زنده بودن می داد، زیرا که از مرده‌ی شما نمی توانست کار بکشد، نمی توانست سود ببرد، نمی توانست بساط عیش و نوش و آقایی اش را توسعه بدهد.

و شما، تا همین دیروز، کار نمی کردید برای آنکه زندگی کنید، کار می کردید فقط برای آنکه زنده بمانید و زنده ماندن با زندگی کردن تفاوت بسیار دارد، که شما کارگران رنج دیده‌ی وطن، و تولیدکنندگان و سازندگان بهتر از هر کسی تفاوت میان این دو کلمه را می دانید.

من در طول سالیان سال مبارزه‌ام، بارها و بارها با کسانی سخن گفته‌ام که مطلقاً نمی دانستند به خاطر چه چیز زنده‌اند. می گفتند: مرگ، نعمتی است، اما سراغ

ما نمی آید و خودمان توانائی خودکشی نداریم . می‌گفتند :
 کار می‌کنیم برای آنکه بچه‌ها یمان زندگی کنند و می‌دانیم
 که بچه‌های آنها هم زندگی نمی‌کردند . آنچه بر آنها می‌گذشت
 رو دخانه‌ای از درد و حسرت و فقر بود نه زندگی .

اما اکنون ، در عصر انقلاب ، در عصر بزرگترین انقلاب
 تاریخ ما ، همه ما حق داریم با کار خود و با تولید سلامت
 خود ، زندگی کردن را طلب کنیم نه زنده بودن ورنج کشیدن
 و خفت بردگی را تحمل کردن .

و مسلم است که بدون کار و کار بیشتر - که اینک تمام
 نفع آن متعلق به خودماست ، فقط مرگ و سقوط و نابودی
 در انتظارماست .

من به شما هشدار نمی‌دهم ، چرا که با وارد آمدن ایرانی
 انقلابی مؤمن ، از هشیاری بسیاری برخوردار است ، از
 آگاهی و فرهنگ غنی و سرشار از ایمانی برخوردار است . من
 به شما هشدار نمی‌دهم ، چرا که هشدار دادن به کسانی که درد
 را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند و یکی از درخشان‌ترین
 چهره‌های انقلاب را تصویر کرده اند و با قدرتی غریب و حیرت -

انگیزه‌نگیده‌اند و مرگ در راه پیروزی انقلاب را به هیچ گرفته‌اند، توهین و بی‌احترامی به آنهاست. من فقط درخواست می‌کنم، فقط خواهش می‌کنم، کارکنید، بیشتر و بیشتر کار کنید و در مقابل، محافظ منافع حاصل از کار خود باشید، حافظ نتایج کار خود باشید.

همچنان که تصمیم گرفتید برپا دارنده شکوهمندترین انقلاب جهان باشید، از همین لحظه تصمیم بگیرید، کارگران و سازندگان و تولیدکنندگان نمونه سراسر جهان هم باشید.

فردا، بی‌شک متعلق به همه کسانی است که امروز

دین خود را به انقلاب، با کار بیشتر، با نظم بیشتر، با ساختن و تولید کردن بیشتر در پرتو اعتقادی راسخ پرداخته‌اند. این من نیستم که از شما آگاهی انقلابی و نظم انقلابی می‌خواهیم، این اعتقاد اسلامی شماست، این ملت شماست که نیا ز من دشماست.

این، ذره ذره خاک وطن، قطره قطره خون کودکان وطن، و لحظه لحظه آینده وطن است که چشم به شرافتمندی و

قدرت شما دوخته است .

اصفهان را با ردیگرنگین انگشتی جهان کنید
واصفهانی را نمونه یک ایرانی با تقوا ، سخت کوش ،
سازنده و بیدار کنید و فرصت بدهید که با ردیگر ، تولید های
شما مانند صنایع دستی شما ، مانند محصولات صنعتی شما ،
مانند باغ های میوه شما و مانند نظم انقلابی شما ، سراسر
دنیا را فتح کند

من یک سرباز با ایمان اصفهانی ، آرزومی کنم با ر
دیگر که به زادگاه خویش بازمی گردم ، چنین به پندارم که
پا به بهشت خدا گذاشته ام ، بهشتی که دیگر در آن از رنج های
انقلاب و از ستم ستمکاران و از زخم های با زمانده از فریب
نیروهای ضد انقلاب ، اثری نباشد

شهر صغری البرز
خراسان
شماره ۱۴۵۸

بنام خدا و به نام ملت بزرگ ایران

خواهران و برادران عزیز

برای من جای خرسندی بسیار است که فرصت یافتم در جمع شما شرکت کنم و در هنگامی که میهن ما به یکی از بحرانی ترین روزهای زندگی خود را می گذراند از دردهایی که داریم با هم سخن بگوئیم گمان میکنم در چگونگی انقلاب اسلامی ملت ایران که مردم ما را توانا کرد تا چنین انقلابی را بیا فرینند بسیار گفته شده و بسیار شنیده اید اما همواره جای این سپاس باقیست و باید که این سپاس به جای آورد در حالی که همه گروههای اجتماعی این سرزمین از زن و مرد از خرد و کلان در انقلاب شرکت کردند همه با هم کوشیدند تا سرانجام شاهد پیروزی در آغوش کشیدند نقش گروه اجتماعی کارگران با آن اعتمادهای سراسری نقشی است که همواره باید یاد آور شد. با در نظر گرفتن چنین نقشی، من هنگامی که مأموریت یافتم به وزارت کار بروم گفتم میروم تا خدمتگزار کارگران باشم. در این مدتی که آنجا بوده ام کوشیده ام که روند کار آن وزارتخانه به کلی عوض شود در خدمت کارگران باشد و در هر حرکتی بیش از هر چیز آسودگی و ادامه کار آنها را در نظر بگیرم گفتم کارگران ایران در انقلاب ایران نقش اساسی و برجسته داشته اند سهم بسیار گذاردند و با پایان دوران ویران سازی به دستور امام بی درنگ کار را از سر گرفتند و با نخستین گروه اجتماعی بودند که به دوران سازندگی توجه کردند و کوشیدند و وظیفه خود را به عهده بگیرند اما دستهای خاصی در این میان کوشید مبارزات کارگری و کوشش کارگران را از روند اجتماعی درست خارج کنند کارگران ایران تنها برای خواستهای رفاهی به انقلاب پیوسته بودند که بعد از انقلاب تنها در اندیشه طرح خواستهای رفاهی باشند آن روز به یاد دارید که در برابر خواستهای سیاسی کارگران که در سراسر ایران دوشادوش سایر گروههای اجتماعی بر ران افتاده بودند نظام استبدادی وابسته به بیگانگان چه حاشیای بخشهایی که نمیکردند و میخواست همه حرکتهای شمارا حرکتی بیسیاسی کنند که برای بدست آوردن سود بیشتر بوده است آن روز در این اجتماع شما نقطه سرخ کشیدید و نشان دادید که نه برای اضافه حقوق نیست که اعتماد کرده اید برای کاهش ساعت کار نیست که اعتماد کرده اید برای پاسخ دادن به یک ستم در یک

کارگاه نیست که اعتصاب کرده‌اید بلکه خواست شما خواست همه مردم ایران است شما میخواستید پیش از هر چیز در یک جامعه آزاد و مستقل زندگی کنید و به همین دلیل هر امتیازی را پس زدید و به اعتصاب خود را ادامه دادید. بیشک با شمر رسیدن انقلاب زمان طرح خواستهای دیگر نیز فرا رسیده بود، بیشک انقلاب ایران در مرز بدست آمدن آزادی و استقلال توقف نمیکرد. انقلاب ایران میخواست جدول ارزشهای جدیدی را در این سرزمین حاکم کند. ما امروز به آزادی و استقلال دست یافته ایم دیگر سرنوشت مادرین کشورهای بیگانه تعیین نمیشود دیگر در باره ایرانی نه در لندن نه در مسکو نه در واشینگتن تصمیم نمیگیرند. در اینجا در ایران است که آینده را می سازند و در باره آن تصمیم میگیرند. همه ما به آزادیهای فردی و اجتماعی دست یافته ایم هر چه می اندیشیم **آزادان** درباره آن سخنی میگوئیم و آزادانه می نویسیم. این برکتهایی بوده است که انقلاب اسلامی ملت ایران به ما داده است اما همانطور که گفتم این انقلاب در مرز بدست آوردن آزادی و استقلال نخواهد ایستاد این انقلاب از آموزشهایی بهره گرفته که در آن دیگر جایی برای بقای ستمهای گذشته نیست ملت ما از فرهنگ **مادی و خردگرا** است که آموزشهای والای اسلامی نقش بر حسته آن را ساخته و در دل هر سر ایرانی حک کرده است. این آموزشها در زمینه اجتماعی بهرگز بهره کشی فرد را از فرد و بقای استعمار را اجازه نخواهد داد. اما همانطور که در دوران انقلاب دوران **درگیری های انقلاب** دورانی که مردم در یک سو و دشمن دیکتاتور وابسته بسوی بیگانه و سراپا مسلح (رسوی دیگر قرار داشت) شما وظیفه خود را فراموش نکردید پس و فریب امتیازهایی را که به شما داده میشد تا صحنه مبارزه را ترک کنید نخوردید. امروز هم وظیفه ای دارید و پیروز و وحدت کلمه و وحدت عمل را حفظ کردید شهید دادید خونگرم خود را نثار کردید تا به هدف بزرگ خود رسیدید و استعمار را در این سرزمین ریشه کن ساختید امروز هم باید نسبت به انجام وظیفه خود هشیار باشی. در دوران سازندگی هر انقلاب هر گروه اجتماعی وظیفه ای خاص دارد که به هیچ دلیل این وظیفه را نباید دریغ داشته فراموشی بیندازد. در دوران سازندگی انقلاب همه گروههای اجتماعی باید که در راه کارگزاران و ساختن باشند. دشمن ویرانه ای در پشت سر خود باقی گذاشته است سرزمینی غارت زده و ما همه با هم به کار ساختن آینده پرداخته ایم. در این میان کارگران همچنانکه در گذشته بزرگترین گام را به انقلاب زدند در کار سازندگی ایران آیسند هم بزرگترین سهم و بزرگترین وظیفه را ...

را دارند در اینجا گفتم که ما هرگز نباید فکر کنیم که خواستها نباید طرح شود. در گذشته —
 طرح میشد و در پیروزی انقلاب بیشک که **آنسان که سالیان درازستم کشیدند** از —
 کمترین زمینه های رفاهی اجتماعی و اقتصادی برخوردار بوده اند حق دارند که با همه
 نیرو و خواستهای خود را طرح کنند اما طرح این خواستها — نباید که وظیفه اصلی را از —
 نظر شما کارگران که شرکت در ساختن آینده ایران است به دور بگذارد و در درجه
 دوم — طرح این خواستها باید بررسی شود شما امروز خواستهای خود را در برابر دشمن
 در برابر دولتی که حاصل منافع چپا و لگران بود طرح نمیکنید. شما امروز خواستهای —
 خود را در برابر گروهی کارفرما که جز غارت و بهره کشی بیشتر هدفی نداشتند طرح نمی —
 کنید پس بسیاری از کارها را که میشد دیروز در بدست آوردن این خواستها انجام داد امروز
 در شأن کارگران انقلابی ایران نیست که همان کارها انجام شود. ساده تر و باز تر
 سخن بگویم اکنون پس از انقلاب نخستین وظیفه ای که در برابر شما قرار دارد کار و کار
 شبانه روزی است. به انقلابهای سراسر جهان نگاه کنید. هر انقلابی ناگزیر ویرانی —
 باری میآورد زیرا اگر جابه جایی قدرت باشد فقط یک نفر به سادگی برود و یک نفر —
 جانشین او بشود این هرگز انقلاب نیست و کسانی که در گوشه و کنار دنیا این نوع —
 دگرگونیها را نام انقلاب دادند هم خود فریب خورده اند و هم دیگران را به بازی گرفته —
 اند اما انقلاب شما چنین نبود انقلاب شما دگرگون ساز همه نهادهای اجتماعی گرآید —
 تنها نهاد سلطنت. در چنین انقلابی دوران سازندگی اهمیت بسیار دارد اگر ما نتوانیم
 ایران آینده را ایرانی آزاد و آباد بسازیم در انقلاب خود شکست خورده ایم و
 این دوران سازندگی در بازوان توانای شماست. به این ترتیب آن گامهای استوارری
 که دیروز در راهپیمائی میلیونی در کنار دیگر گروههای اجتماعی حرکت کرد امروز باید
 بازوی توانای خود را در راه به گردش درآوردن چرخهای تولید بکار ببیند. هیچ بهانه
 — ای، طرح هیچ خواستی با تعطیل کردن کار پذیرفتنی نیست زیرا چشم ملتی بسوی شما
 دوخته شده است تا آینده فرزندان خودتان را و آینده فرزندان همه ایران را چگونه
 میسازید در چنین هنگامی هرگز سخن از تعطیل کار سخن از کاهش ساعت کار سخن از کم
 کار کردن طرح نیست و نباید طرح شود. **برای کارگران دوران انقلابی این بسک**
 خواست انقلابی نیست همه ما باید شبانه روز کار کنیم تا انقلاب به خدمت ما نیاز دارد.
 یک لحظه نباید در فکر آسایش و تعطیل و استراحت بمانیم ولی خواستهای خود را مدیسی

توانید با آزادی کامل در محیط های کار هرگونه اجتماع، در گوناگون سازمانهای کارگری و کارگاهی که پدید می آید طرح کنید و آن خواسته ها را انجامش را طلب کنید در اینجا هم بین کارگران انقلابی امروز که دارند در دوران سازندگی شرکت میکنند با کارگر دیروز که دشمن در برابر او قرار داشت باید که فرق کند. دیروز هرگونه — روشی شاید درست بود اما امروز روشها باید روشهایی انسانی — انسانی آنچنانکه آموزشهای والای اسلامی را آموخته است باشد. پس وقتی که من در پشت میز کارم می — شنوم در کارخانه ای کار فرمایی ولو که بسیار بزرگ باشد، گروگان گرفته اند یا به او آزار رسانده اند به سختی دچار تاسف میشوم. شما میتوانید با اتحاد خواهانهای خود را طرح کنید و اطمینان داشته باشید که به این خواسته ها خواهید رسید و توجه داشته باشید که بالاتر از هر چیز کسانی هستید که به حقوق بشر اعتقاد کامل — دارید شما سالها از این که با زبان زور با شما سخن گفته شده است رنجیده اید و — اعتراض کرده اید پس بیایید هرگز در دوران سازندگی انقلاب از زبان زوری که در — خور دیگران بوده است سخن نگوئید. اتحاد شما و طرح در جهت خواسته ها از طرف شما آنچنان نیرویی دارد که هیچ کس نمیتواند در برابر آن ایستادگی کند. شما هرگز نیازی به رفتارها و روشهایی که انسانی نباشد ندارید. من دست بالا را میگیرم کارگران ایران شما از چنان نیرویی برخوردار هستید که با اتحاد با همبستگی — و پیش گرفتن روشهای درست حتی میتوانید حکومت را، تمام جمهوری اسلامی را به — راهی که میخواهید بکشانید در چنین قدرتی نیازی به کارهای غیر انسانی وجود ندارد. — برای نمونه میگویم به یاد داشته باشید طرحتی که از آغاز که انقلاب به پیروزی — رسید خواهشهایی گوناگونی طرح شد همواره وزارت کار کوشید با سنجیدگی — و گامهای استوار در انجام این خواسته ها پیش برود. بعضی از آنها را انجام داد و بعضی در تدارک انجام است یکی از آنها که از روز نخست گفته و با فشار آنه خواسته — میشد تعیین حداقل دستمزد بود. مبر کردید با صبر انقلابی به ما فرصت دادید که — زمینه لازم را برای اینکار فراهم بکنیم با کمال تاسف کسانی هم بودند میان شما از بیرون که حداکثر تحریریک را میکردند و در نشریه های خود مینوشتند. — که وزارت کار در صدد این است که با عقب انداختن تعیین حداقل دستمزد روشی ضد — کارگری در پیش گیرد حتی همان هنگامی که از وزارت کار از شورای عالی کار که نتیجه گرفته بود بیرون آمدن روزنامه ای را دیدم که بر آن نوشته شده بود شورای عالی کار

یازده ساعت تشکیل جلسه داده ولی از آنجائی که کوشش وزارت کار در پائین آوردن حداقل دستمزدها هنوز به نتیجه نرسیده است، اما همان هنگام مردم ایران از صدای رسانه های گروهی می شنیدند که با چه تفاوت بارزی ما حداقل دستمزد را تعیین کرده ایم. من میتوانم به جرات ادعا کنم نه در ایران که در هیچ جای دنیا حداقل دستمزد بسه میزانی که ما بالا بردیم هرگز نبوده بوده است که از یک رقم بیست و یک تومان و هفت قران یکبار یک رقم ۵۶۷ ریال بالا برود. شما به ما فرصت دهید و اطمینان داشته باشید که در همه زمینها وزارت کار نه وزارت کار که دولت موقت جمهوری اسلامی ایران به فرمان رعب را با درایت انقلاب امام خمینی به سوی آن می رود که گام به گام خواستهای شما را بر آورد. گفتم و تکرار میکنم اگر انقلاب اسلامی ملت ایران به بهره کشی فردا ز فرد پایان ندهد و بازوان کارگر تمام ارزش کار خود را دریافت ندارد من آن را انقلاب تمیدانم تا چه برسد به شما. اما همانطور که گفتم این کار صبر انقلابی میخواهد صبر انقلابی را که گفتم بسیاری زده اند ولی به راستی نیاز کنونی جامعه ما صبر انقلابی است باید که خواستهای خود را درست و با همه نیرو طرح کنید ما راه بر آوردن آن دراز است کسانی هستند که میگویند یک روزه دشواریهای کارگری حل خواهد شد. وقتی که سخن به صورت یک تیتسر در یک روزنامه زده شد شتابان آن را باز کردم به امید اینکه راه حل این معجزه را بشناسم و در آنجا نوشته بود: کارگران میتوانند کارگاه را اشغال کنند شما میپرسم آیا تنها اشغال کارخانه میتواند به شما زندگی رفاهی دهد چنین اشغالی هر روز در اختیار شماست کارخانه مال شماست و دیگر در این سرزمین کسی جرات تعطیل کردن آن را ندارد. اما باید با برنامه ای درست از این ابزار تولید استفاده کرد و نخست مواد گردش چرخهای صنعت کشور و بالا بردن تولید که سود آن به جیب من و شما و هر فرزندان ایران در هر گروه اجتماعی باشد خواهر رسید. میدانم که کارگران ایران هرگز تنها به فکر خود نبوده اند نخست به فکر همه ایران بودند و سپس به فکر خود پس با لا بردن تولید گردش همه چرخهای صنعتی نخستین وظیفه شماست و این چیزی است که همه ما از امام رهبر ما از جامعه روحانیت که در این مبارزه گام به گام ما را همراهی کرد و از همه گروههای اجتماعی که در این انقلاب دوشا دوش شما شرکت کردند از شما طلب میکنند و من بسه عنوان یک خدمتگزار کوچک از شما از شما میخواهم برای اینکه کارگران ایران نه تنها در برابر انقلاب که در سراسر جهان سربلند هستند با همه نیرو بکوشید که نیرو را به حداکثر

رسانید و از هر سطحی در این راه دو گذرید اما در عین حال به این نکته هم توجه داشته باشید که محیط های کار باید که از هر نفاق افکنی به دور باشد ما اکنون در شرایطی به سر می بریم که در سراسر میهن نیاز به وحدت داریم ما اکنون همه با هم در کار نوشتن قانون اساسی آینده ایران هستیم قانونی که دگرگونی جدول ارزشهای گذشته را باید ثبت تاریخ کند در چنین مرحله ای نفاق که می بیند کسانی در گوشه و کنار بذران را می پاشند صد درصد به زیان مردم ماست این مردم نیاز به وحدت عمل یعنی رازی که با آن به پیروزی رسیدند همچنان دارند امروز در گوشه و کنار دست توطئه گر دراز است تا سرزمین ما را یکبار دیگر به عقب برگردانند مردم ما را دچار شکست کنند شما در طول تاریخ مبارزات ملت ایران بسیار دیده اید به یاد بیاورید نهضت درخشان ملی شدن صنعت نفت را نهضتی که دست توانای ایران - ایرانی یکی از بزرگترین ^{انقلابی} جهان را به زانو در آورد وزیر رهبری بزرگ مردی همچون دکتر مصدق ما انقلابی کردیم که توانست برای بسیاری از ملتهای شرق سرمشق زندگی همراه با استقلال و دور شدن از زیر سلطه استعمار باشد اما نفاق افکنی ها - جدا جویی ها چنان آسیبی رساند که ما برای پیروزی بعدی ۲۵ سال تمام تحمل سختی کردیم آ. بیسیبهای بسیار دیدیم که فرصت های گران بهایی که در طول سالها از دست مردم این سرزمین بدر رفت چه فرزندان دلیری که بخون خفتند چه بسیار مردانی که سه روزها و ماهها و سالها خورشید فروزان را از پشت میله های زندان شبکه دار دیدند چه کسانی که در زیر شکنجه شکنجه گران جان سپردند در هر کارخانه ای حفاظتی برپا داشتند پا هر کدام از شما هر حرکتی کرد به حداکثر ^{بسرکوب} بشود. براداران - هشیار باشید اکنون هم توطئه از همه سوی ایران در کار است وحدت کلمه خود را از دست ندهید همراه با دیگر گروه های اجتماعی حرکت کنید در این روزهای تصمیم گیری با اراده راسخ کسانی را که شایستگی نمایندگی شما را دارند تعیین کنید تا قانون اساسی آینده نوشته شود آن گاه در متن این سند ما خواهیم توانست بسیاری از ارزشها و خواسته های خود را ^{ثبت} کنیم. من خوب میدانم شما خواهان و براداران کارگر خواهانهای بسیاری دارید من خوب میدانم هنوز بسیاری از تبعیضها در مورد کارگران و در میان کارگران حاکم است میدانم شرایط کار در بسیاری از کارگاهها تا چه اندازه توان فرسا و دشوار است میدانم پیر مردانی که بسایدا امروز استراحت کنند

به علت شرایط و مقررات غلط از جان خود مایه میگذارند تا زندگی خود را بگذرانند و دهها دشورای دیگر که تاکنون طرح و مورد بررسی قرار گرفته است میدانم که سازمانها؛ و باید سازمانها با آئین نامه های جدیدی که برآستی نهادهایی که به وجود میاید نمایانده واقعی کارگران باشند و از حمایت کارگران برخوردار شود در جامعه ما جایش خالی است میدانم قانونی که بر روابط کار حاکم است هنوز بسیاری از گوشه های ظالمانه اش حکومت میکند و ما باید قانونی درخور روابط انسانی کارپدید آوریم اما همانطور که گفتم فرصت دهید و اعتقاد داشته باشید که با اتحاد شما همه این دشواریها حل خواهد شد هرخواستنی دارید آزادانه و دنباله آن با مسئولین وزارتخانه های کسب باید خدمتگزار شما باشد در میان بگذراید و با حوصله انجام خواستهای را دنبال کنید تا ببینید آنها که آنجا نشسته اند تولدی دوباره یافته اند و باید که در خدمت شما باشند. یکبار دیگر به سخن اصلی خود باز میگردم. به عنوان یک سرباز کوچک انقلاب میکوشم خودم و همه همکارانم که خدمتگزار شما باشند و شما هم با همه نیرو بکوشید که کارگران ایران باشید نه کارگر یک کارگاه کوچک که تنها به آن کارگاه و خواستهای کارگران آن کارگاه می اندیشد بلکه به همه ایران بیندیشید که امروز جهانیان چشم به ما دوخته اند که این انقلاب را چگونه به پایان می بریم بیندیشید که در گوشه و کنار کشورمان در سرزمین همسایه انقلاب شما چه شور و ولوله ای انداخته است و اگر خدای ناکرده در این کار رخنه ای ایجاد شود نه تنها ایرانیان که بسیاری از ملت های دیگر در ناامیدی فرو خواهند رفت فشرده سخنم اینکه همه با هم برخیزید دست یگانگی در دست بگذارید و ایران آزاد و آباد آیند را بسازید.